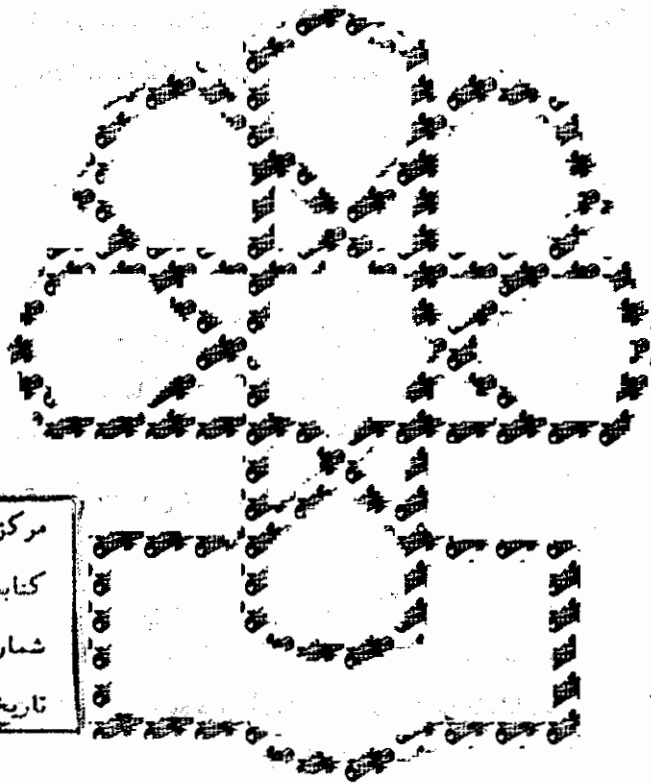




طرح راه اندازی پایگاه اطلاعاتی مجلس بر روی اینترنت (۳)

مقدمه راهنمای کتاب طلایی

(کتاب نشانیهای اینترنت)



مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اطلاع رسانی فارابی
شماره: ۷۲۷۶
تاریخ: ۱۷ / ۱۰ / ۷۲

معاونت پژوهشی
آذر ماه ۱۳۷۴

کار: کتابخانه و واحد اطلاع رسانی فارابی

کد گزارش: ۴۱۰۰۹۵۱

«هارلی هان» این پیشگفتار را بر کتاب راهنمای طلایی اینترنت نوشته است. هان با بیانی گیرا، لحنی نیمه داستانی، نیمه شاعرانه می‌خواهد اهمیت اینترنت را به خوانندگان گوشزد کند و بگوید با اینکه در سال ۱۹۹۵ در مورد اینترنت می‌نویسد، اما این اختراع - که به گفته او مهمترین نوآوری قرن بیستم است - بسی از زمانه خود جلوتر است و در واقع اختراعی مربوط به قرن بیست و یکم - و سال ۲۰۱۷ - است.

«هان» ضمن تأکید بر اهمیت انتقال هر نوع اطلاعات در سال ۱۹۹۵ از عدم سازماندهی اینترنت با لحنی ملایم انتقاد می‌کند:

کتاب، به گفته هان، فهرست (کاتولوگ) مفصلی از همه دانسته‌ها و فعالیتهای انسان در سالهای پایانی سده بیستم میلادی است. او می‌گوید همه آنچه در سال ۱۹۹۵ در مورد اینترنت داریم در سال ۱۹۹۰ نداشته‌ایم. پس همه چیز تازه است. کسی نیست درباره همه چیز برایمان شرح و توضیح بدهد. باید با شکیبایی و پایداری یاد بگیریم. نویسنده نحوه ورود به اینترنت و چگونگی استفاده از امکانات آن را بیان می‌کند و با بیان نیمه داستانی می‌گوید انسان در سال ۱۹۹۵ با دسترسی داشتن به شبکه اینترنت، دیگر تنها نیست با همه جهان در ارتباط است ولو در اتاقش تنها نشسته باشد.

۲- پیشگفتار

اگر همه چیز بر وفق مرادم پیش برود شما این نوشته را در سال ۱۹۹۵ می‌خوانید. بدین معنی که من این پیام خودم را در اواخر سال ۱۹۹۴ درست به موقع دریافت می‌کنم و آن را به ناشر می‌دهم تا در چاپ دوم کتاب بیاورد.

عجله نکنید. شاید نیاز به قدری توضیح باشد چون اگر شما چیزی در مورد دروازه زمان شنیده باشید حتی تصور مه آلودی هم از آنچه که من دارم می‌نویسم نخواهید داشت و اصولاً شما چگونه ممکن است چیزی در مورد دروازه زمان شنیده باشید؟

بگذارید از اول شروع کنم. من این پیام را از سال ۲۰۲۱ برای خودم ارسال داشته‌ام تا در چاپ دوم راهنمای طلایی اینترنت به چاپ برسد. اما دست نگه دارید. این آغاز کار نبود. به گمانم آغاز کار سال ۲۰۱۷ بود که تی ال نیپر T.L. Nipper نحوه ایجاد دروازه زمان را در گذشته به ما نشان داد.

اما، نشد. باز هم دست نگه دارید. این هم سرآغاز نبود. آغاز واقعی، اواخر دهه ۱۹۹۰ بود که اینترنت به چند قسمت تجزیه شد و آنچه که شبکه (نت) (یا رسماً شبکه مردم) نامیده شد جانشین سازمان یافته شبکه اطلاعاتی غیر تجاری قلمداد گردید.

مفهوم بود؟ نه، فکر می‌کنم این یک بحث بی‌آینده و نومیدکننده است. می‌دانید، من زمانی چندین کتاب اینترنت نوشتم، این کار اواسط دهه ۱۹۹۰ من بود. اما از آن زمان ۲۵ سال می‌گذرد و خیلی چیزها عوض شده است. نمی‌دانم چه طور توضیح بدهم که مطلب را خوب درک کنید. بسیاری از واژه‌های نو در ۱۹۹۵ وجود نداشت و نمی‌دانستم از کجا آغاز کنم.

و اما اصل ماجرا: در سال ۲۰۱۷ یک نابغه بزرگ به نام تی ال الیوت به فکر افتاد چگونه می‌تواند

اطلاعاتی را به گذشته بفرستد. من هم مثل اغلب مردم، جزئیات امر را نمی فهمم. فکر می کنم چیزی در حد واژه های دشوار فهم Neutrino یا Tachyon باشد. اما امر مهم در این زمینه آن است که فرایند فقط و تا حد محدودی قابل اتکاست و فرکانسهای متوسط (MFS) آنرا شدیداً محدود می کنند. از اینها گذشته، برای ارسال چند علامت به انرژی بسیاری نیاز داریم.

انتقال این پیشگفتار به مقدار انرژی که طی یک ماه در سراسر منطقه غربی ایالات متحد آمریکا (کالیفرنیا، بخشی از نوادا و ارگون) به مصرف می شود نیاز دارد. در واقع اگر کمکهای بیدریغ فرماندار طرح ارتباط قاره ای نبود من هرگز نمی توانستم این پیام را بفرستم.

در هر صورت، اینها همه به پنجاهمین سالگرد اینترنت مربوط می شود و بعضی پژوهشگران واحد اطلاعاتی MFS تاریخ مزبور را کشف کرده و به این نتیجه رسیده اند که با ارسال پیامی به گذشته، پنجاهمین سالگرد را جشن بگیرند.

من نمی دانم این کار را چگونه کردند چه نخهایی را کشیدند. اما در هر حال توانستند همکاری طرح ارتباط قاره ای را جلب کنند و یک دروازه زمانی طولانی ایجاد نمایند؛ آنقدر طولانی که بتوانند پیامی را به عقب به سال ۱۹۹۴ مخابره کنند.

قرار بر این شد که من هر چه می خواهم بنویسم و آن را ۲۵ سال در زمان به عقب باز پس بفرستم به طوری که درست در نوامبر ۱۹۹۴ به دست خودم برسد. اگر همه چیز درست پیش برود پیام سال ۲۰۲۱ ناگهان در صندوق پستی الکترونیکی من در سال ۱۹۹۴ ظاهر خواهد شد. هدف، ارسال پیامی بود که بتواند به عنوان پیشگفتار یکی از کتابهایم مورد استفاده قرار گیرد.

مسئله اینجاست که وقتی پیامی می فرستید این پیام یک به اصطلاح «واقعیت گزینه» ایجاد می کند به طوری که شما نمی توانید پیامهای پیام آرسالی را مشاهده کنید. بنابراین من هم به هیچ روی نخواهم فهمید این پیام به مقصد می رسد. اما اگر برسد شما در سال ۱۹۹۵ آن را خواهید خواند و دست کم متوجه می شوید که کار خودش را کرده است.

حال که همه چیز را شرح داده ام ممکن است بپرسید چه می خواهم بگویم؟

بسیار خوب. در سرآغاز به شما خواهم گفت: نت مهمترین اختراع قرن بیستم است، البته این امر در طول قرن مزبور مشخص نشد تنها در اوایل دهه اول قرن بیست و یکم به اهمیت آن پی بردند. متأسفانه در مورد طبیعت واقعی نت تا این زمان سوء تفاهم و برداشت کلاً نادرستی وجود داشته تا بدانجا که هیچ کس نمی دانسته چه حادثه ای در شرف وقوع است. در واقع تا هنگام صدور فرمان اطلاعات در ۱۹۹۸ اغلب آنچه در نت می گذشت دستخوش نابسامانی شدیدی بود و تنها به اولویتهای فردی واگذار می شد.

شاید یک نکته دیگر هم در پیام من می آمد، آنچه اکنون (در سال ۲۰۱۷) نت نامیده می شود در واقع هیچ شباهتی به اینترنت قدیمی ندارد (هر چند شباهتهای اندکی میان این دو به چشم می خورد. ما می توانیم درباره هر جایی که می رویم به اطلاعات دسترسی داشته باشیم و سرعت عمل آن چنان زیاد است که مشهود نمی نماید. خیلی راحت می توان دید و انتقال داد. دسترسی عمومی (به بخش پاب نت [شبکه عمومی]) فراگیر است.

مشکل اینجاست که همه چیز، اداره شده، سازمان یافته، و... البته... ملالت با راست. می بینید در روزگاران قدیم (که شما دارید این نوشته را می خوانید)، نت عملاً توسط کسی اداره نمی شد، سازماندهی

ضعیفی داشت. این یعنی وجود مشکلاتی در آنجا، اما در قبال آن، آزادیهای فردی در حدی باور نکردنی وجود داشت. آزادی بدان معنی که هر کسی می‌دانست اطلاعات را چگونه ایجاد کند و اشاعه دهد. اکنون که این مطالب را می‌نویسم همه این تسهیلات بالکل نامعلومند (در شبکه (نت) رسمی چنین است، شایعاتی در مورد اسلیک نت‌های زیرزمینی وجود دارد اما من هم مثل خیلی‌ها این شبکه‌ها را ندیده‌ام).

نکته اینجاست: از قضای روزگار شما در عصری زندگی می‌کنید که فرصتهای سترگی در اختیارتان است. همان طور که می‌دانید، نت شبکه‌ای ابدی نخواهد بود اما تا زمانی که وجود دارد، این فرصت را دارید که مشارکت و ورزید آن هم به شیوه‌هایی که تا دهه ۱۹۰۰ وجود نداشته و به طور قطع امروز هم وجود ندارند. اگر حافظه‌ام خوب کار کند، در سال ۱۹۹۵ شما آنقدر آزادی داشتید که می‌توانستید هر نوع اطلاعات دلخواه را بفرستید. توصیه من به شما این است که اهمیت این قابلیت را دست کم نگیرید. باز هم فکر می‌کنم اگر اوضاع به روال دیگری پیش برود، ممکن است فرمان اطلاعات را نداشته باشیم، جامعه دوستی میکرو سافت هم هرگز پدید نیاید... خوب، این نه اینجاست و نه آنجا، و می‌بینید که شما قادر به تغییر گذشته نیستید. حدس می‌زنم آنچه واقعاً قصد دارم به شما بگویم این است که نت به طوری که معرف حضورتان است یک منبع موقتی است و هر وقت بتوانید باید از آن بهره‌گیری و قدرشناس آن باشید.

اگر این پیام به مقصد برسد و شما به واقع در حال خواندنش در چاپ دوم راهنمای طلایی اینترنت باشید به شما توصیه می‌کنم کتاب را بخرید و بخوانید. هیچ چیز ابدی نیست و بعضی چیزها عمری بس کوتاه دارد.

و دست آخر اینکه ... قدری تفریح کنید. زمانی می‌رسد که برای این کار هم اجازه مخصوص لازم

باشد.

پیشگفتار چاپ اول

این کتاب، شیوه تفکر شما نسبت به جهان را تغییر خواهد داد. از این بالاتر، نحوه اندیشیدن شما درباره مردمان و نحوه زندگی ما به عنوان یک نوع یا گونه را عوض می‌کند.

چگونه؟ هر چه باشد این کتاب یک فهرست بزرگ است و آیا چیزی به اهمیت فهرست (کاتالوگ) سراغ دارید؟

بسیار خوب، به فهرست مقوله‌های پشت جلد بنگرید خواهید دید عملاً همه فعالیت‌های مهم آدمی در آن آمده است. کتاب حاوی توصیف‌هایی در مورد هزاران قلم جدا جدا است که در ۱۸۵ مقوله دسته‌بندی شده است.

اهمیت این همه به جزئیات امر مربوط نمی‌شود. مربوط به این حقیقت است که اصولاً چنان چیزی وجود دارد. در گذشته‌ای نه چندان دور، اغلب محتویات این کتاب حتی به وجود نیامده بود. تا چند سال پیش هیچ قسمتی از کتاب تولید نشده بود. اما آخر اینها چه ربطی به شما دارد؟

فرض کنید در حال اکتشافید، روزهای پیاپی در جنگلهای کنار رودخانه پیش می‌روید. از صخره‌ها و تپه‌ها بالا می‌روید، به جلگه پهن بی‌انتهایی می‌رسید. به افق خیره می‌شوید و سواد یک شهر را می‌بینید. به تدریج نزدیک می‌شوید می‌بینید با یک شهر واقعی طرف نیستید اما هر چه هست در ورای توصیف قرار

می‌گیرد: بناهای زیاد، وسایل نقلیه، آثار هنری، و ... چه چیزها که هرگز ندیده و به مخیله‌تان هم نمی‌گنجیده است!

ساعتها به اکتشاف سپری می‌شود. همیشه چیز تازه‌ای پیدا می‌کنید، چیزی چالشگر، چیزی فرح‌بخش. بیگانه، احساس سردرگمی می‌کنید بخش اعظم وقتان را الکی هدر می‌دهید ناگهان بخشی از یک نمونه را پیدا می‌کنید و لحظه‌ای احساس می‌کنید همسایه‌خانه به خانه آنجا بید.

اما در بیشتر موارد چنان احساسی وجود ندارد و شما در هاله‌ای از ابر جاذبه و دافعه به این سوی و آن سوی آواره‌وار سر می‌زنید. چرا احساس سرخوردگی به شما دست می‌دهد؟ چون می‌بینید هر چه دور و برتان است بخشی از چیز عظیمتری است که شما قادر به فهم آن نیستید.

یک روز از قضا غریبه‌ای را می‌بینید که گویا همه جای آن محیط را به خوبی می‌شناسد. دست‌کم اطراف و دور و بر خود را به خوبی به جای آورد.

از او می‌پرسید: راهتان را چگونه پیدا می‌کنید؟

شانه‌ها را تکان می‌دهد. به آن عادت خواهید کرد.

باز می‌پرسید: چرا این همه اینجاست؟

می‌گوید: نمی‌دانم. و بعد به راهش ادامه می‌دهد.

پشت سرش داد می‌زنید: صبر کن. از کجا می‌توانم نقشه‌ای تهیه کنم؟

سر بالایی پاسخ می‌دهد. چنین چیزی پیدا نمی‌شود.

اما، شما، نمی‌توانید کمک کنید؟

به سویتان بر می‌گردد نگاهش سرشار از ابهام است و پوزخندی بر لب دارد. معلوم است که چیزی

می‌داند که شما نمی‌دانید. یک چیز مهم.

با حالت خاصی می‌گوید: اینجا عمری چند ساله دارد. در واقع، شما می‌توانید روزها به سیر و سفر ادامه دهید. تقریباً همه آنچه می‌بینید کمتر از یک سال عمر دارد. هر جا بروید مکانهای تازه‌ای خواهید دید و چه بسیار مواردی که متوجه می‌شوید مکانهای قدیمی ناپدید شده‌اند. به دور و بر نگاهی می‌اندازید وقتی به عقب نگاه می‌کنید می‌بینید عوض شده است. بزرگتر، بغرنج‌تر، ... تر. نمی‌شود توضیح داد. گفتم که، عادت می‌کنید.

در ادامه می‌گوید: اما گیج نشوید. معنایی که می‌بینید در مورد ساختار یا وسایل نقلیه نیست. مربوط به هنر و زیبایی نیست، راجع به لذت، حقیقت یا خوبی و بدی هم نیست. مربوط به مردم و آفریده‌های آنان است. مردمی که با هم یا به تنهایی کار می‌کنند.

خواهید دید هر کجا می‌روید شخص دیگری را هرگز نخواهید دید (می‌دانم که این یک حقیقت است، من هم مثل هر کس دیگر و به همان اندازه اینجا بوده‌ام)، در هر حال هر وقت بخواهید می‌توانید با دیگران صحبت کنید. هرگز تنها نخواهید ماند. مهم نیست کی هستید، مهم نیست که چه آرزوهای فردی و

چه اولویت‌هایی دارید. مهم این است که در جایی از اینجا آدمهایی مثل شما وجود دارند.

خوب کجا بید؟ هیچکس نمی‌داند. امر مهم این است که ما همه اینجا با هم هستیم. همه به هم مربوط

هستیم. همه به اینجا تعلق داریم خاصه آنهایی از ما که جای دیگری را ندارند. و مهمترین مسأله این است که

هر وقت بخواهید اینجا می‌آید. هیچ کس هرگز از اینجا نرفته است.

من خود شخصاً نمی دانم چرا اینجا اینقدر مهم است، غالب ماها از اینجا به آنجا می رویم و هر کاری را که دوست داریم انجام می دهیم. با وجود این، باید از اینکه اصلاً اینجا هستید شاد باشید. گفتم که اغلب اینها تنها چند سالی بیش ندارند و شما جزو نخستین ها هستید.

اما شما می گوئید: دست نگه دارید. به من گفتید من هرگز عملاً کسی را نخواهم دید. شما را چی؟ من شما را می بینم.

خیره به شما می نگرد.

فقط فکر می کنید مرا می بینید. من واقعاً وجود ندارم. در هر حال نقشه ای اینجا هست که نمی دانم چقدر کارایی دارد. لطفاً گم نکنید. همه جا آن را با خودتان داشته باشیدش.

در پشت سر شما به ورق کاغذی که روی زمین افتاده اشاره می کند. بر می گردید که کاغذ را بردارید باز که بر می گردید او رفته است. به پایین می نگرید در مرکز یک لث کاغذ سفید علامت X گنده ای گذاشته اند و این واژه ها نوشته شده است «شما اینجا باشید».

کاغذ را در جیب می گذارید و راه می افتید. بعد از دقایقی بر می گردید و نگاه می کنید. علامت بزرگی پشت سر شما است. قاعدتاً باید تمام مدت آنجا بوده باشد چطور ندیدیدش؟ شاید با خودتان بگوئید خیلی خوب ممکن است ندیده باشم کجا هستم، یا چرا اینجا هستم، یا، دیگری واقعاً چه می کند؟ اما حالا دست کم نام محل را می دانم چون علامت این است:

«به اینترنت خوش آمدید»

اینترنت و کتاب حاضر (نشانیهای اینترنت)

برای استفاده از این کتاب به چه چیزهایی احتیاج دارید؟

برای استفاده از این کتاب باید به اینترنت دسترسی داشته باشید، و نحوه استفاده از اینترنت را نیز بدانید. این دو موضوع به تفصیل در یکی دیگر از کتابهای ما با عنوان مرجع کامل اینترنت (Osborne McGraw-Hill) مورد بحث قرار گرفته است.

اگر تاکنون به اینترنت دسترسی نداشته اید با آن کتاب کار را آغاز کنید.

فصل ۳ با عنوان «چگونه با اینترنت رابطه برقرار کنیم؟» را که شامل مفهومیهای اساسی است بخوانید، سپس به سراغ پیوست A «دسترسی عمومی به اینترنت» بروید تا بدان وسیله از نحوه یافتن و انتخاب فروشنده اطلاع پیدا کنید. در کتاب، فهرست بلند بالایی از این فروشندگان، پیشنهاد ویژه به استفاده کنندگان تازه، و اجازه استفاده رایگان در یک ماهه اول آمده است. وقتی به اینترنت دسترسی پیدا کردید باید مهارت لازم را برای استفاده از آن پیدا کنید. این در عمل به معنی نحوه استفاده از منابع گوناگون اینترنت است، منابعی که بسیار متفاوتند. در جدول زیر منابعی گوناگونی را که در این کتاب آمده است آورده ایم. در این فصل اعدادی هست که نشان می دهد کدام بخش مرجع کامل اینترنت به توضیح آن منبع می پردازد. به منظور آشنایی سریع با همه منابع به فصل ۲ رجوع کنید.

منابع	فصل
گردش سریع در اینترنت	۲
FTP ناشناس	۱۶
آرچی	۱۷
فینکر	۸
گافر	۲۱
فهرست پستی اینترنت	۲۵
IRC اینترنت	۲۰
فهرست پست خدمات فهرست	۲۵
پست	۶ و ۵
تل نت	۷
یوزنت: کل	۱۱ و ۱۰، ۹
یوزنت: خواننده جدید	۱۵ و ۱۴، ۱۳، ۱۲
وایس	۲۳
شبکه جهانی	۲۴

هر کسی غالباً از خود می پرسد: من به واقع چه اندازه به فراگیری نیاز دارم؟
و این پرسش می تواند دو پاسخ داشته باشد: یکی بد و یکی خوب. و اما پاسخ بد:
نیازی به این ندارید که بدانید از هر چیز چگونه استفاده کنید. تنها چیزی که نیاز دارید این است که یاد
بگیرید منابع مورد علاقه تان را مورد استفاده قرار بدهید و پاسخ خوب که واقع بینانه تر هم هست:
شما احتمالاً به همه منابع علاقمند خواهید شد بنابراین واقعاً نیاز دارید نحوه استفاده از همه چیز را
یاد بگیرید.

آیا نحوه استفاده از اینترنت دشوار است؟

نه. ابتدا دشوار نیست. فقط تمرین می خواهد.
به حرف کسانی گوش ندهید که می گویند استفاده از اینترنت بسی دشوار است یا رفتارشان
«بامصرف کننده دوستانه نیست». واقع گرا باشید. اینترنت یکی از مهمترین و پیچیده ترین اختراعات بشر است.
«استفاده از اینترنت» واقعاً به معنی آموختن برخی مفهومیهای اساسی و بعد هم خودآموزی در مورد
نحوه استفاده از برنامه های متنوع آن است.

وقتی به صورت یک استفاده کننده مجرب درآمدید خواهید دید اینترنت و برنامه هایش رفتاری
دوستانه با استفاده کننده دارند. به شرط اینکه همه برنامه های عرضه شده را مورد بررسی قرار دهید.
مشکل اینجا است که بعضی ها فکر «استفاده راحت» را با فکر «فراگیری آسان» عوضی می گیرند.
تنها راه ایجاد یک نظام پیچیده با «فراگیری آسان» آن، است که در همان روز اول از طریق کنار نهادن یا
پنهان کردن قدرت آن در به کارگیری اش درنگ نکنید. اما وقتی تجربه اندوختید می بینید نظام چقدر ساده و
رام نشدنی است.

میلیونها نفر در گوشه و کنار جهان از اینترنت استفاده می‌کنند نیازی ندارید که کارشناس کامپیوتر باشید. وقتی در چشم‌انداز به قضیه بنگرید می‌بینید فراگیری و به کار گرفتن اینترنت به مراتب از بسیاری کارهایی که روزانه انجام می‌دهید؛ مثلاً رانندگی یا خرید از خوار و بار فروشی آسانتر است. تنها چیزهایی که لازم دارید تمرین و شکیبایی است.

بهترین اندرز ما را می‌خواهید؟ کتاب را باز کنید. چیز جالبی را در آن بیابید. بعد با استفاده از مرجع کامل اینترنت و با بهره‌گیری از خودآموزی ببینید نیاز به دانستن چه مطالبی دارید. آزمایش. چه جالب. آرام پیش بروید. لذت ببرید.

سانسور: یا وقتی مورد تعرض قرار می‌گیرم چه باید بکنم؟

قول می‌دهم روزی ذیر یا زود، کسی در اینترنت متعرض شما شود (حتی چیزی در این کتاب ممکن است متعرض تان باشد). لطفاً ملالی از این بابت به خود راه ندهید.

اینترنت بزرگترین تجمعی است که انسانها تا این زمان انجام داده‌اند و یکی از قواعد اساسی آن این است که هیچ کس متصدی نیست، یعنی هیچ سانسوری وجود ندارد. این آزادی، دلیل اولیه‌ای است که اینترنت را تا بدین پایه پراهمیت ساخته و اینکه چرا تنوع تا بدین اندازه زیاد است.

با این همه بعضی افراد در استفاده از این همه مزایا یا مشکلاتی رو به رو هستند. سرانجام، همه ما به این واقعیت پی می‌بریم که اگر چیزی را دوست نداریم می‌توانیم نادیده‌اش انگاریم. برای مثال، اگر مقاله‌های گروه خبری یوزنت را می‌خوانید و یکی از آنها را تعرض آمیز تلقی می‌کنید می‌توانید ردش کنید. در هر صورت آغاز کار برای بعضی‌ها با گله و شکایت همراه است.

چنین است که کسی گلایه می‌کند... «بله، من به آزادی بیان عمیقاً اعتقاد دارم اما مقایسه رئیس جمهور ایالات متحد آمریکا با یک بیمار مبتلا به ایدز عضو گروه اقلیت نازی و طرفدار برابری زن و مرد را دیگر نمی‌توان با توجه به آزادی بیان توجیه کرد. این دیگر خیلی زیادی است، خوب. پس باید یادمان باشد که استفاده از اینترنت یک امتیاز است نه یک حق، و چنانچه افرادی مثل شما شبکه را با بی‌خبری، نژادپرستی، اعتقادات خطرناک و از این قبیل آلوده کنند اینترنت از شما قهر می‌کند.»

بسیار خوب، همه این حرفها نشان می‌دهد که نویسنده به عنوان یکی از استفاده‌کنندگان اینترنت هنوز ناپخته است. اطمینان داشته باشید که هیچ کس در هیچ کجا به کلامهای حق به جانبی که به ما می‌گویند چه چیز درست و چه چیز نادرست است، توجهی نخواهد کرد. اگر شما با یک چنان آدم خودستایی برخورد کردید به او بگویید بهترین قسمت اینترنت، تنوع و رنگارنگی آن است و مدارا با عقاید و نحوه تفکر دیگران یک فضیلت است.

اگر یک قانون طلایی اینترنت وجود داشته باشد آن قانون چنین است:

به جای دیگران، خود را ملامت کنید

واقع‌بینانه فکر کنیم، ما همه آمده‌ایم یک نکته را بیاموزیم: که در مورد نحوه استفاده دیگران از اینترنت کاری از دست ما ساخته نیست بنابراین بهتر است در این مورد تلاشی نکنیم. هدف، سهیم شدن و بهره‌بردن است. اگر چیزی را دوست ندارید فراموش کنید.

● نحوه تماس با ما

در این فهرست (کاتولوگ) هزارن قلم موضوع وجود دارد اما باز هم این تنها کسر کوچکی از مطالبی است که اینترنت می تواند عرضه کند. اگر می خواهید به چاپ بعدی فهرست چیزی اضافه شود ما را در جریان بگذارید. نشانی ما این است:

Catalog arain.org.

همین طور هم اگر نظری دارید حتماً به ناشر اطلاع بدهید. مستقیماً نظراتتان را بر ایمان بفرستید. ریک و من از این کار شما خوشحال خواهیم شد.

قبل از تماس با ما

برای اینکه وقت تلف نکنید پاسخ چند سؤال را که غالباً از ما پرسیده می شود ذکر می کنیم:
(۱) من تازه وارد به اینترنت هستم نمی دانم چه بکنم. چگونه می توانم به منابع کتاب حاضر دسترسی پیدا کنم؟

این کتاب یک کاتولوگ است. به شما نحوه استفاده از اینترنت را یاد نمی دهد. اگر به تازگی می خواهید از آن استفاده کنید باید قدری وقت صرف یادگیری نحوه استفاده از اینترنت بکنید.
(متأسفیم که این را می گوئیم ولی این یک واقعیت است). بهترین پیشنهاد ما در این مورد استفاده از مرجع کامل اینترنت است. تازمانی که مطالبی در مورد استفاده از اینترنت را ندانید انتظار نداشته باشید کارها را درست انجام بدهید. اما دلسرد نشوید. اینترنت خیلی چیزها دارد و تلافی زحماتتان را خواهد کرد.

(۲) تلاش کردم با یک منبع تماس بگیرم اما از من اسم رمز خواست چه کنم؟
شما احتمالاً با یک برنامه نادرست شروع کرده اید. برای دستیابی به منبع باید درست از همان خدماتی استفاده کنید که در این کتاب فهرست شده است. برای مثال، اگر منبع gopher را می خواهید باید به برنامه gopher وارد شوید. برای یک برنامه بی نام FTP باید به برنامه FTP وارد شوید و... شما با استفاده از استعدادتان می توانید به یک کامپیوتر دوردست وارد شوید اما این کار تنها در صورتی امکان دارد که اسم رمز داشته باشید. اگر کمک خواستید بهتر است از یک کتاب مرجع خوب در مورد اینترنت استفاده کنید.

(۳) در فهرست منابع خاص، من علامت «*» را می بینم این یعنی چه؟
بسیاری از منابع به بایگانیها و راهنما اشاره می کنند (راهنما مجموعه ای از بایگانیها است) گاهی توصیف این راهنما با علامت «*» ختم می شود. و معنایش این است: «همه بایگانیها در راهنمای خاص». برای مثال Pub* را می بینم.

و معنایش اشاره به همه بایگانیهای درون راهنمای Pub است. اگر باز هم برایتان بی معنی بود می توانید از کسی کمک بخواهید، یا کتاب مبتدیها در مورد Unix را مطالعه کنید. بهترین این نوع کتابها

Open computing Unix Unbound

به قلم هارلی است و نام انتشاراتی و شماره ثبت آن به شرح زیر می باشد:

Osborne McGraw- Hill, ISBN= 0-07-882050-2

هر چند لازم نیست Unix را بدانید تا از اینترنت استفاده کنید اما بسیاری از کامپیوترهای موجود در دسترس Unix هستند بنابراین داشتن اطلاعاتی در مورد Unix بسیار مفید خواهد بود.

۴) چگونه می‌توانم در این کتاب آگهی بدهم؟

همه چیز در این کتاب رایگان است. این یک راهنمای بازرگانی نیست. مثل صفحات زرد دفتر تلفن هم نیست. ماهمه تلاشمان را به خرج می‌دهیم تا نشان دهیم هیچ چیز در این کتاب غیر رایگان نیست بنابراین آگهی پولی قبول نمی‌کنیم همه «آگهیهای» کتاب را هارلی می‌نویسد و برای سرگرمی‌اند.

● سپاسگزاری

عده بسیار زیادی به ریک و من در تولید این کتاب یاری دادند و با اجازه شما می‌خواهیم چند دقیقه‌ای از وقت شما را صرف سپاسگزاری از این افراد بکنیم. قدر مسلم این است که شما نیازی به خواندن این مطالب ندارید. کسی هم شما را کنترل نمی‌کند که بخوانیدشان. بنابراین می‌توانید این قسمت را رد کنید بی‌اینکه کسی مچتان را بگیرد. اما به خاطر داشته باشید که وقتی رفتارتان زیر مراقبت و کنترل است چه می‌کنید.

قصدها ترساندنتان را ندارم اما نامه‌ای از خواننده‌ای داشتیم که این صفحه در چاپ اول را نخوانده بود. حتی شنیدن این مطلب باعث تأسف بود. این بینوا فکر کرده بود هیچ کس متوجه نخواهد شد اما یادش رفته بود که وقتی آدم انجام کاری را که صواب می‌داند به فراموشی می‌سپارد، دارد خود را گول می‌زند. بله این آدم صفحه حاضر را نخواند و به فاصله سه روز تمام زندگی او بی‌معنی و پوچ شد.

پس شما با ما این طور نباشید. باشد؟

ابتدا از وندی مارداک دستیار اصلی پژوهشی ما، هنرمند و نویسنده با استعدادی شروع می‌کنیم که مهارت، شکیبایی، و سختکوشی او بر کیفیت این کتاب تأثیری عظیم داشت. در میان بچه‌ها و ندی همیشه تحسین و اعجاب مرا برمی‌انگیخت هنوز هم نمی‌دانم یک آدم چطور می‌تواند تا بدین پایه با استعداد و جامع باشد.

بعد نوبت مایکل پرایس می‌رسد. من فکر می‌کنم می‌توان کتابی در مورد بهترین و پرفروش‌ترین کامپیوتر نوشت و از این ایرلندی کمک نخواست اما برای خود من تصور این مطلب ناممکن به نظر می‌رسد. چه جوان تحسین برانگیزی او و وندی چیزی در مورد نت نیست که ندانند. به شما قول می‌دهم به هر کنفرانس کامپیوتر گام بگذارید سنگی به هوا پرتاب کنید مطمئن باشید کسی را که پیش از وندی و مایکل در مورد اینترنت بدانند زخمی نمی‌کنید (امتحان بد نیست).

چهار پژوهشگر دیگر هم نقش و سهم مهمی داشته‌اند: اسکات یانوف (اهل میلواکی، ویسکانسین)، کاری کارولین (اهل ویناچی، واشنگتن)، جان ناوارا (شیکاگو، ایلینویز)، و جیم هال (سان دیگو، کالیفرنیا)، از روند اشات (سان دیگو) نیز سپاسگزاری می‌شود.

لونا هیواند (نسخه‌بردار خوب‌مان) در کار خود بهترین نسخه‌برداری را از دست‌نوشته انجام داد. چه گوهر گرانبهایی است او. من مدت‌ها با او کار کرده‌ام و حالا دیگر به او وابسته شده‌ام. در لغت‌شناسی و دستور زبان ستون اتکای من است. از این گذشته، او در صنعت نشر مطلوب‌ترین آدمی است که می‌شناسم.

از پائولا کاتوریا (لندن، انگلستان)، بروک جارت (سان دیگو)، پیتر تن کلی (هلند)، ریک براهد (تورونتو، کانادا) به خاطر زحمتی که روی چاپ اول کتاب کشیدند سپاسگزاری می‌کنیم.

گذشته از یکایک این افراد، در شرکتهای مختلف نیز اشخاص متعددی ما را یاری دادند. در شرکت رین (سانتاپاربارا، اتحاد منطقه‌ای شبکه‌بندی اطلاعاتی)، مری مونتگمری و تیموتی تیندال موجب دسترسی من به اینترنت شدند، در شرکت IBM از بخش روابط مشاوره‌ای، کن براشت، و در میکرو سیستم‌ها از لائورالیلی کست، لائورا ساندینا و رانجینی مهدی سپاسگزاری می‌کنیم در گریگ دوماس از بخش چیف تکنیکال آفیسر تشکر می‌کنیم.

شاید با خودتان بگویید: هارلی و ریک دارند برای این شرکت تبلیغ می‌کنند و مثلاً به ما توصیه می‌کنند خدمات اینترنت را از شرکت رین، کامپیوتر را از IBM، و یاسان بخریم. یا مودم را از تله‌بیت تهیه کنیم. در جواب می‌گویم: هدف ما این نبود که به شما بگوییم این آدمها برای معامله و قرارداد خوبند و هیچ توصیه‌ای هم در این باره نمی‌کنیم (یادآور می‌شویم که پایگاه داده‌های ما میکروسافت است. ما آن را توصیه می‌کنیم اما باز هم تأیید نمی‌کنیم).

از ناشرمان آزرین مک - گراهیل تشکر می‌کنیم در اینجا بیش از همه مرهون اسکات راجرز هستیم. راجرز «دبیر تدارکات» است. کارش یافتن مؤلفان و طراحی کتابهای جدید است. اما در مورد ما پا را به مراتب فراتر نهاد. در بسیاری از مراحل چاپ کتاب مداخله نمود (محتوا، تولید، بازاریابی و فروش)، و این کار روزمره او بود. آنقدر در این مورد پیش رفت که فکر کردیم باید او را در حق تألیف شریک کنیم. راجرز سخت کار می‌کند و اعتباری بیش از آنچه را که هم‌اکنون دارد شایسته است.

بعد از اسکات افراد دیگری نیز ما را یاری دادند: کلی بار «دبیر طرح» بر تدارک و تولید کار نظارت کرد. وندی رینالدى «دبیر طرح» به کلی در چاپ دوم یاری داد تا با آن همه سرعت و شتابی که در چاپ کتاب به عمل می‌آورد از پا در نیاید (کلی می‌گوید به دلیل کمکهای وندی، در چاپ دوم به اندازه چاپ اول در دسر نداشته است).

● راهنمای طلایی اینترنت

از آن ویلسون (Ann Wilson) و کلی فوگل (Kelly Vogel) معاونان سردبیری به خاطر کمک ویژه‌شان و از جمله کمکهای ریز و درشتی که از توان دیگران خارج بود سپاسگزاریم. به خصوص آن (Ann)، ساعت‌های متوالی روی تغییرات نهایی در آخرین مهلت چاپ این شماره کار کرد.

در حوزه تولید، ریک و من از هنرمندان با استعدادی سپاسگزاریم که با ترسیم شکل‌های عالی و هنرمندانه، سراسر کتاب را زینت بخشیدند. بدین وسیله از این هنرمندان، لسلی باسین، هلنا ورسلی، و مارلا شلاسکی سپاسگزاری می‌کنیم.

به طوری که خود شما شاهدید، لسلی، مارلا و هلنا هنرمندانی به واقع پر استعدادند و نقش و سهم مهمی در این کتاب بر عهده داشته‌اند. من شخصاً از این هنرمندان قدردانی می‌کنم و متأسفم که چرا آن زمانها نتوانستم هنرمندانی پیدا کنم که مهارت و ذوق سرشار خویش را توأمأ به کار گیرند و شوخیهای مرا به ترسیم بکشند. اگر در دوره دبیرستان حتی با یکی از این سه هنرمند حاضر برخورد می‌کردم و نوشته‌هایم را به تصویر زینت می‌دادند کسی چه می‌داند که اکنون کجا بودم.

سایر کارگران معجزه‌آفرین تولید کسانى هستند که روی لیتوگرافی کتاب کار کردند (و این کار چندان

آسانی نیست)، رابر تا استیل، پیتر هنکیک، جانی بک ویث، و رایث الیوت این زحمت را بر عهده گرفتند. علاوه بر این، کندال آندرسن (مدیر فروش) روی جلد و پشت جلد کتاب و مدخل فهرست کتاب آزرین را تهیه کرد.

در پایان، ریک و من از مارسلا هنکیک (مدیر تولید) به خصوص سپاسگزاریم او در سرتاسر روند تولید کتاب با ما همکاری کرد، این یک وظیفه دشوار و بسیار پیچیده بود.

به قول مارسلا، «هر کسی که دست داشت برای کتاب کاری انجام می داد».

البته فقط اینها نیستند که کل شرکت نشر را می چرخانند. گهگاه از افراد دیگر کمک‌هایی می‌گیرند و جا دارد از آن افراد نیز نامی برده شود: لیزا کیسینجر (روابط عمومی و آگهی) کلودیا رامیرز (حقوق خارجی)؛ لاری نویتسکی (ناشر، بنیر بزرگ) و جف پیر (سردبیر، بنیر متوسط) از این جمله‌اند.

در مورد خدمات پخش و تحویل فوق‌العاده خاص (با اهمیتی بیش از آنچه فکر می‌کردم) باید از بچه‌های دی‌اچ‌ال DHL (پست فوری) در سانتا باربارا تشکر کنم: دانیل ریچکو، تریچلنتوس - کرماریس، شیلاباروز، کریستین ابیت، کریگ ویلیامسن، کلان راف، و مونتی هو وارد (مدیر پست). و سرانجام خدمات عالی چوک جیمز در اداره پست فوری سان دیگو بقدری درخشان است که سپاس ریک را برانگیخته است.

هارلی هان